

# قوانین برنامه توسعه در ایران و الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت

غزاله دژم خوی و فرزاد مرادپور \*

## چکیده

برنامه ریزی توسعه در ایران قدمتی برابر با عمر نظام تجارت چندجانبه دارد. اما پیوستن کشورمان به نظام تجارت چندجانبه به دلایلی تا امروز صورت واقعیت نیافته است. دلایل این امر را می‌توان نه تنها در اتکای اقتصاد و تجارت ملی بر نفت که تأثیر نظام تجارت چندجانبه بر اقتصاد و تجارت ایران را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است، بلکه در راهبردهای توسعه‌ای کشور و سیاستهای تجاری ناشی از آنها و نیز واقعیتهای حاکم بر تجارت خارجی کشور جستجو کرد. در عین حال، روند سیاستهای تجاری در قوانین برنامه به طور کلی در طول زمان رویکردی برون‌گراتر و با محوریت بیشتر صادرات یافته و این رویکرد سرانجام به پیگیری روند الحاق به نظام تجارت چندجانبه انجامیده است. بررسی آخرین قوانین برنامه و مقررات جاری آنها نیز حاکی از آن است که سیاستهای تجاری کشور جهت‌گیری آشکاری در راستای تمهید الحاق ایران به این سازمان دارد و جز در پاره‌ای جنبه‌ها، همگرایی بالایی با مقررات سازمان جهانی تجارت را می‌توان در قوانین جاری برنامه مشاهده نمود.

## واژه‌های کلیدی

برنامه توسعه، سازمان جهانی تجارت، الحاق، سیاست تجاری، رقابت، یارانه.

---

\* پژوهشگران دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری

## ۱) مقدمه

امروزه نیاز به یک چشم انداز بلندمدت توسعه بویژه برای اقتصادهایی که در گذشته از سیاستهای حمایتی استفاده کرده‌اند و کمتر با نظام تجاری و بازار سرمایه جهانی که بسرعت در حال تغییر است تعامل داشته‌اند، برای بهره‌گیری مؤثر از فرصتهای نظام تجارت جهانی و اجتناب از تهدیدهای آن، ضروری و بدیهی به نظر می‌رسد. در عین حال، ملازمت این دو، پیشینه‌ای به درازای عمر نظام تجارت چندجانبه دارد.

درست در همان روزهای آغازین سال ۱۳۲۷ که تنظیم نخستین برنامه توسعه کشور که ایران را در زمره پیشگامان برنامه‌ریزی اقتصادی در جهان قرار می‌داد مراحل پایانی خود را می‌گذراند، مذاکرات تنظیم منشور سازمان بین‌المللی تجارت نیز پایان یافت و ایران به همراه ۵۲ کشور دیگر منشور تأسیس این سازمان را به امضا رساندند و پیشگام تأسیس نخستین سازمان جهانی تجارت شدند.

نخستین برنامه توسعه کشور در همان سال ۱۳۲۷ به تصویب مجلس ایران رسید و اجرای برنامه‌های توسعه ایران از آن سال تا به امروز با افت و خیزهایی که به نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مربوط می‌شد ادامه یافت، اما منشور تأسیس سازمان بین‌المللی تجارت در مجالس ملی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای امضاکننده آن و از جمله مجلس ایران به تصویب نرسید و طرح تشکیل یک سازمان جهانی تجارت تا نیم قرن بعد صورت واقعیت نیافت.

در فاصله این نیم قرن تنها فصل چهارم از فصول نه‌گانه منشور تأسیس سازمان بین‌المللی تجارت با عنوان موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) به اجرا درآمد که ایران از عضویت ناظر در آن برخوردار بود اما برای عضویت کامل در آن اقدامی نکرد. دلیل این امر را علاوه بر وضعیت تجارت خارجی کشور تا حد زیادی می‌توان در سیاستهای تجاری برنامه‌های توسعه اقتصادی آن زمان جستجو کرد. در عین حال، مقارن با برنامه پنجم عمرانی کشور که با شوک نفتی و دور

مذاکراتی توکیو در گات همزمان بود، ایران بررسی الحاق به گات را برای نخستین بار در دستور کار قرار داد، اما این بررسی اقدامی به دنبال نداشت. بار دیگر در اواخر برنامه اول توسعه که با دور مذاکراتی اروگوئه در گات همزمان بود، بررسی الحاق به گات در دستور کار هیأت وزیران قرار گرفت. در اثنای این بررسی و در آستانه آغاز برنامه دوم توسعه در ایران، گات جای خود را به سازمان جهانی تجارت داد. بررسیهای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در سال نخست برنامه دوم ادامه یافت و سرانجام در دومین سال برنامه (تیرماه ۱۳۷۵) به تسلیم درخواست الحاق ایران به این سازمان انجامید. پذیرش درخواست الحاق ایران در این سازمان ۹ سال به درازا کشید و در این فاصله دو برنامه توسعه دیگر نیز تدوین گردید. سرانجام، در ابتدای برنامه چهارم توسعه، در ۵ خرداد ۱۳۸۴، درخواست الحاق ایران به اجماع اعضای سازمان رسید و ایران فرایند الحاق به این سازمان را آغاز کرد.

با توجه به آغاز مراحل الحاق کشورمان به سازمان جهانی تجارت و با در نظر گرفتن لزوم هماهنگ‌سازی قوانین و مقررات اقتصادی کشور در حال الحاق با مقررات مندرج در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت که یکی از جنبه‌های پدیده و زمانبر فرایند الحاق محسوب می‌شود، بررسی میزان مطابقت مقررات اقتصادی و تجاری کشور با مقررات این سازمان از اهمیت و ضرورت شایانی برخوردار است. قوانین برنامه به جهت کلیت، پویایی و روزآمدی بیشتر نسبت به سایر قوانین و نیز ماهیت راهبردی آنها، جایگاه ویژه‌ای در میان مجموعه مقررات ملی دارند.

مقاله حاضر به مرور سیاستهای تجاری برنامه‌های توسعه کشور از آغاز تا امروز می‌پردازد و پس از ارائه تصویری از روند سیاستهای تجاری کشور در دهه‌های گذشته، قوانین جاری و نافذ برنامه را از منظر الحاق به سازمان جهانی تجارت مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد.

## ۲) مروری بر سیاستهای تجاری در برنامه‌های توسعه

ایران یکی از پیشتازان اجرای برنامه‌های توسعه و برنامه‌ریزیهای اقتصادی در سطح جهان می‌باشد. سابقه برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران به حدود ۶۰ سال پیش باز می‌گردد. اولین برنامه عمرانی کشور در حالی در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) به اجرا درآمد که حتی در سطح کشورهای توسعه‌یافته، جز آلمان که از سال ۱۹۳۳ به برنامه‌ریزی رو آورده بود، این اقدام تنها با موارد مربوط به فرانسه و ژاپن که یک سال قبل از ایران برنامه‌ریزی اقتصادی خود را آغاز کرده بودند قابل مقایسه بود. در میان کشورهای در حال توسعه نیز بدیلی برای ایران وجود ندارد و برجسته‌ترین موارد در این گروه از کشورها به چین و هند مربوط می‌شود که به ترتیب از سال ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ اجرای برنامه‌های توسعه را آغاز کردند.

اولین برنامه هفت‌ساله ایران نخستین سند رسمی ادبیات توسعه ایران محسوب می‌شود. از آن زمان تاکنون، تاریخ اقتصادی ایران اجرای ۹ برنامه مصوب را به خود دیده است: ۵ برنامه در عرض ۳۰ سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و چهار برنامه در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی. در هر دو مقطع قبل و بعد از انقلاب نیز یک برنامه در مرحله طراحی متوقف و امکانی برای تصویب یا فرصتی برای اجرا نیافت: برنامه ششم عمرانی (۶۱ - ۱۳۵۷) و برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۶۶ - ۱۳۶۲). در سطور زیر به بررسی سیاستهای توسعه در چارچوب برنامه‌های عمرانی اول تا پنجم پیش از انقلاب و برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بعد از انقلاب خواهیم پرداخت.

### ۱-۲) سیاستهای تجاری در برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب

همان طور که گفته شد، نخستین برنامه اقتصادی ایران به سال ۱۳۲۷ برمی‌گردد. از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۵۷، سال پیروزی انقلاب اسلامی، پنج برنامه عمرانی تنظیم و اجرا شد. در این برنامه‌ها برای بخشهای مختلف اقتصادی مثل کشاورزی، صنعت، خدمات و نفت و همچنین بخشهای اجتماعی مثل آموزش و پرورش، بهداشت و سایر فصلهای امور اجتماعی و برای امور عمومی مثل آب و برق و نیرو اهدافی در نظر گرفته شد و اعتبارات عمرانی در قالب بودجه پیش‌بینی شد. البته از آنجا که برنامه‌های پیش از انقلاب همگی برنامه عمرانی هستند (و نه برنامه توسعه)، برداشت سیاستهای تجاری شفاف از آنها

مشکل است با این حال برخی از مواردی که جنبه سیاستی دارند، مرور خواهد شد.

۱-۱-۲) برنامه عمرانی هفت‌ساله اول (۳۴-۱۳۲۷). این برنامه نخستین برنامه عمرانی کشور با اعتباری معادل ۲۱ میلیارد ریال بود، اما پس از ملی شدن صنعت نفت و تبعات ناشی از آن، تمام این اعتبار محقق نشد. در این برنامه که مجموعه‌ای از طرح‌های عمرانی بود، در مورد نقش دولت از طریق اعمال سیاست‌های تجاری و رقابتی و نیز توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، سیاست‌های تصریح شده‌ای وجود ندارد. در طول این برنامه، برخی زیرساختها از جمله زیرساخت‌های نهادی برنامه‌ریزی اقتصادی ایجاد گردید که تأسیس سازمان برنامه در سال ۱۳۲۷ از آن جمله است. قانون تشویق صادرات و تولید نیز که نخستین قانون جامع ایران در حمایت از تولید و صادرات محسوب می‌شود، در سال ۱۳۳۳ به تصویب رسید.

۲-۱-۲) برنامه عمرانی هفت‌ساله دوم (۴۱-۱۳۳۴). در این برنامه با انعقاد قراردادی، اعتباری معادل ۲۵ میلیارد ریال وام خارجی در اختیار سازمان برنامه قرار گرفت. طی این برنامه، تسهیلات و برنامه‌هایی برای حمایت و جلب بخش خصوصی در بخش صنعتی و معدنی ایران به اجرا درآمد. قانون جلب حمایت از سرمایه‌های خارجی نیز در این برنامه به تصویب رسید. معافیت گمرکی و بخشودگی عوارض راه و شهرداری برای کارخانه‌ها و ماشین‌ها و قطعات یدکی منفصله که برای اجرای برنامه از خارج وارد می‌شدند از جمله سیاست‌های تجاری متخذه در این برنامه بود، ولی در زمینه رقابت داخلی سیاست تصریح شده‌ای وجود نداشت.

۳-۱-۲) برنامه عمرانی پنج‌ساله سوم (۴۶-۱۳۴۲). این برنامه را بیشتر کارشناسان نخستین برنامه جامع پیش از انقلاب می‌دانند. اعتبار آن ۲۷ میلیارد ریال بود. این برنامه آغاز تحول کشور از یک جامعه سنتی کشاورزی به یک جامعه صنعتی تلقی می‌شود. بخش صنایع و معادن در این دوره گسترش نسبی یافت و صنایعی برای

سرمایه‌گذاری مورد هدف قرار گرفتند که از نظر مواد خام و مهارت‌های فنی و امکانات بازار فروش بر صنایع دیگر مزیت داشته باشند و اشتغال را افزایش دهند. برخی سیاست‌های تجاری اتخاذ شده در این برنامه عبارت بودند از معافیت گمرکی ماشین‌آلات و بعضی لوازم یدکی آنها برای تسهیل واردات کالاهای سرمایه‌ای، تشویق صادرات از طریق توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و اعطای تسهیلات اعتباری بویژه به بخش صنعت. در زمینه رقابت داخلی نیز حمایت از صنایع داخلی از طریق جلوگیری از ورود کالاهای مشابه مصنوعات ایران مد نظر قرار گرفت. در این برنامه در راستای توسعه سرمایه‌گذاری خارجی اقداماتی در تشویق سرمایه‌گذاری و کمک فنی خارجی انجام شد.

**۴-۱-۲) برنامه عمرانی پنجساله چهارم (۵۱-۱۳۴۷).** اعتبار ۴۸۰ میلیارد ریالی این برنامه پس از سه سال به ۵۶۸ میلیارد ریال افزایش یافت. به دلیل تعقیب سیاست جانشینی واردات، سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در واردات کشور افزایش یافت. مهمترین سیاست‌های تجاری دولت در این دوره عبارت بودند از: حمایت از کالاهای داخلی در قبال کالاهای خارجی، افزایش صدور کالاهای صنعتی از طریق مذاکره با سایر دولتها و عقد موافقت‌نامه‌های بازرگانی، تنوع‌بخشی به کالاهای صادراتی و گسترش بازارهای موجود و دستیابی به بازارهای جدید خارجی. در زمینه رقابت داخلی نیز اعمال حداکثر معافیت مالیات بر درآمد برای فعالیتهای صنعتی، کمک به توسعه و ترویج روشهای جدید فروش و پخش کالاهای صنعتی مد نظر قرار گرفت. در خصوص توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، جلب سرمایه‌گذاری در رشته‌های خاصی که صدور محصولات آنها به خارج به سرمایه‌گذاری خارجی نیاز داشت مورد توجه قرار گرفت.

**۵-۱-۲) برنامه عمرانی پنجساله پنجم (۵۶-۱۳۵۲).** اعتبار این برنامه قریب به ۱۹۹۴ میلیارد ریال بود. در این برنامه به علت حمایت دولت از بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حدود ۲/۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی بلندمدت وارد ایران شد. به دلیل شوک نفتی سال ۱۳۵۳ و فزونی درآمدهای ارزی، سیاست‌های جانشینی

واردات رها شد و با گشودن بی رویه مرزها به روی واردات، صنایعی که در آستانه رقابت جهانی قرار داشتند، رو به زوال گذاردند. بر مبنای ایجاد صنایع جدید و توسعه صنایع بر اساس مزیت نسبی و افزایش صادرات صنعتی برای نخستین بار جهت‌گیری صادراتی در برنامه‌ریزی کشور منظور و مرکز توسعه صادرات تأسیس شد. در همین مقطع برای نخستین بار بررسی الحاق ایران به گات در دستور کار قرار گرفت اما اقدامی در پی نداشت. دولت به منظور ایجاد انگیزه برای صادرات صنعتی، اخذ گواهینامه ارزی برای واردات نهاده‌های ضروری بسیاری از صنایع را به صدور بخشی از تولیدات این صنایع به خارج مشروط کرد. در مورد جلب همکاری سرمایه‌گذاران خارجی نیز کمیته‌ها و همایش‌های بین‌المللی متعددی تشکیل شد. سیاستهای تجاری دولت در این برنامه عبارت بودند از: کاهش تدریجی حمایت گمرکی در خصوص کالاهای مصرفی به منظور افزایش کیفیت کالاهای ساخت داخل و حمایت گمرکی از صنایع سازنده کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به منظور کاهش واردات آنها. اما در رابطه با رقابت داخلی سیاست تصریح‌شده‌ای وجود نداشت. تأکید بر جلب سرمایه‌های خارجی در رشته‌های تولیدی، تأکید بر اخذ وامهای بلندمدت خارجی و پرهیز از اخذ وامهای کوتاه‌مدت، و تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی به منظور جذب دانشهای فنی و فناوری پیشرفته از دیگر موارد این برنامه بود.

## ۲-۲) سیاستهای تجاری در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب

تنظیم و اجرای برنامه‌های پنجساله بعد از انقلاب به شکل برنامه‌های توسعه‌ای و متفاوت از برنامه‌های پیش از انقلاب دنبال شد. برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب را اگر چه می‌توان از نوع برنامه‌های ارشادی طبقه‌بندی کرد، ولی تفاوت‌های عمده‌ای در روش برنامه‌ریزی آنها قابل‌مشاهده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقتصاد ایران فراز و نشیب‌های متعددی را تجربه کرد. در دهه ۱۳۶۰، اقتصاد ایران به لحاظ مواجهه با رویدادهایی نظیر تحریم‌های بین‌المللی، بلوکه شدن داراییهای خارجی، فرار سرمایه از کشور، جنگ تحمیلی عراق، افزایش هزینه‌های دولتی، محدود شدن منابع ارزی، کاهش شدید قدرت پول ملی، نرخ بالای تورم

و ضرورت مدیریت یک اقتصاد جنگی عملاً در وضعیتی قرار داشت که ضمن خارج شدن از تعادل اقتصادی، قادر به تنظیم یک سیاست اقتصادی و تجاری منظم، برنامه‌ریزی‌شده و بلندمدت نبود و اتخاذ هر نوع سیاست اقتصادی در واقع تلاشی بود جهت فایق آمدن بر بحرانهای متعددی که یکی پس از دیگری با آنها مواجه می‌گردید.

اما از اواخر دهه ۱۳۶۰ بویژه با آغاز اولین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی (۷۲-۱۳۶۸) به لحاظ مرتفع شدن نسبی شرایط بحرانی، پایان یافتن جنگ، برطرف شدن برخی از تحریمهای بین‌المللی، سامان یافتن نسبی اوضاع اقتصادی و تجاری و برقراری روابط بازرگانی و اقتصادی با تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته و به طور کلی مساعد شدن زمینه لازم جهت تنظیم یک سلسله سیاستها و روابط خاص تجاری، اقتصاد ایران وارد مرحله‌ای شد که در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ای موفق گردید تدریجاً عدم تعادل‌های به وجود آمده در بخشهای مختلف را مرتفع گرداند و در مسیر توسعه‌ای مستحکمی قرار گیرد.

در برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) پاره‌ای از نقایص و نارساییهای برنامه اول مشخص و برای رفع آنها تغییراتی در سیاستگذاری به وجود آمد، اما همچنان خطوط اصلی سیاستهای برنامه اول در این برنامه نیز استمرار یافت.

اجرای دو برنامه پنجساله توسعه اقتصادی طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ و تقویت بنیادهای تولیدی و بازسازی بسیاری از خرابیهای ناشی از جنگ، اقتصاد ایران را برای ورود به مرحله جدیدی که مستلزم پیوند تدریجی با اقتصاد جهانی بود، آماده ساخت. سومین برنامه پنجساله توسعه (۸۳-۱۳۷۹) به اتکای راهبرد توسعه‌ای برونگرا و جهش صادراتی اساساً با همین هدف به مورد اجرا درآمد و با تصویب قوانین جدید متعددی زمینه‌های حاکم شدن اصول اقتصاد بازار و ورود ایران به اقتصاد جهانی فراهم گردید.

اجرای سیاستهایی نظیر تک‌نرخ‌ی شدن ارز، تصویب قانون جدید تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، لغو بسیاری از مجوزهای وارداتی، تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌های معادل، لغو انحصارات دولتی، ایجاد فضای رقابتی برای توسعه فعالیتهای بخش خصوصی، برطرف کردن کلیه موانع موجود بر سر راه توسعه صادرات غیرنفتی، تأسیس بانکهای خصوصی، تأسیس بیمه‌های خصوصی، تصویب قانون جدید مالیاتها و کاهش

نرخهای مالیات بر درآمد شرکتها، تدوین قانون تجارت الکترونیکی و دیگر موارد مشابه تماماً با هدف فراهم کردن شرایط حضور ایران در اقتصاد جهانی و متقابلاً بهره‌گیری از توانمندیهای اقتصاد بین‌الملل به مورد اجرا درآمده‌اند.

با عملی شدن این سیاستها و بویژه با اجرای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۸۸-۱۳۸۴) مرحله‌ای آغاز شده است که نهایتاً ایران را برای ورود تدریجی و مرحله‌ای به نظام تجارت چندجانبه و برقراری رابطه تجاری قاعده‌مند با اعضای سازمان جهانی تجارت آماده می‌نماید.

### ۱-۲-۲) برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۲-۱۳۶۸)

ویژگی برنامه اول را از جنبه سیاستگذاری می‌توان شروع سیاستهای آزادسازی اقتصادی در سالهای بعد از انقلاب و بازسازی و توسعه زیرساختها بعد از سالهای جنگ دانست. در این خصوص، شکستن انحصار دولتی تجارت خارجی، حذف تشکلهای انحصاری، خصوصی‌سازی، فعال کردن بازار بورس، ایجاد شهرکهای صنعتی، اصلاح ساختار اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، تشویق و حمایت از ایجاد تشکلهای صنعتی و معدنی و تخصصی، تأکید بر ایجاد صنایع کوچک و همچنین سیاستهایی در رابطه با توسعه فناوری از مهمترین جهت‌گیریهای برنامه بود. بی‌توجهی به اجرای یکپارچه این سیاستهای مثبت، برنامه را تضعیف کرد. در سطح کلان، ناسازگاری سیاستهای آزادسازی با سیاستهای پولی و مالی و ارزی به بهره‌گیری نامطلوب از سیاستهای اعمال شده انجامید. در اواخر این برنامه، بررسی الحاق به گات در دستور کار هیأت وزیران قرار گرفت.

سیاستهای تجاری برنامه اول را می‌توان این گونه برشمرد:

- ۱- واگذاری واردات و صادرات کالا و خدمات به اشخاص حقیقی و حقوقی بخشهای خصوصی و تعاونی از طرف دولت با توجه به انحصار دولتی تجارت خارجی،
- ۲- اختصاص درصد معینی از تولیدات کالاهای غیرضروری صنعتی داخلی به صادرات،
- ۳- لغو بخشودگیهای حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در طول برنامه جز در خصوص بخش کشاورزی و فناوریهای پیچیده،

۴- وضع سود بازرگانی در صورت لزوم و اعمال محدودیتهای وارداتی به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای،

۵- افزایش صادرات بخش صنایع و معادن از طریق استفاده حداکثر از ظرفیتهای موجود و انجام سرمایه‌گذاریهای تکمیلی.

در زمینه رقابت داخلی نیز سیاستهای زیر مد نظر قرار گرفت:

۱- حذف تشکلهای انحصاری در تولید و توزیع کالا با تأکید بر جلوگیری از انحصار، توزیع سهمیه کالاهای تولیدی بخش دولتی توسط اتحادیه‌های صنفی و ممانعت از دسترسی به سوده‌های کلان ناشی از وجود قیمتهای دوگانه در اقتصاد کشور؛

۲- جلب مشارکت مردم در امور مشارکت‌پذیر و هدایت و سازماندهی مردم در جهت اداره امور؛

۳- واگذاری بخشی از فعالیتهای اجرایی، بویژه امور عمومی و خدماتی، مناسب با امکانات بخشهای غیردولتی.

در زمینه توسعه سرمایه‌گذاری خارجی هم بر سیاستی تصریح نشده است.

#### ۲-۲-۲) برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۸-۱۳۷۴)

اجرای برنامه دوم توسعه، به علت طولانی شدن فرایند بررسی و تصویب لایحه برنامه، با یک وقفه یکساله از سال ۱۳۷۴ آغاز شد. اگر چه با توجه به مسأله بحران بدهیهای خارجی و همچنین بی‌ثباتی سیاستهای پولی، مالی و ارزی در سالهای پایانی برنامه اول، سیاستهای آزادسازی اقتصادی در برنامه دوم با سرعت کمتری دنبال شد، ولی روش برنامه‌ریزی و جهت‌گیریهای کلی این برنامه همانند برنامه اول بود. در برنامه دوم نیز مجدداً سیاستهایی مانند تشویق صادرات، مقابله با انحصارگرایی، واگذاری شرکتهای دولتی و تحت پوشش دولت به بخشهای خصوصی (بویژه واگذاری تمام شرکتهای واحدهای صنعتی تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران)، توسعه و تقویت بازار بورس اوراق بهادار، کمک به ایجاد و توسعه تشکلهای مناسب در بخش صنعت، اصلاح بخشهایی از قانون کار در جهت تنظیم روابط منطقی کار، حمایت

مالی از تحقیقات و توسعه صنایع با فناوری پیشرفته و برتر، توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، فراهم کردن شرایط لازم برای تحکیم پیوندهای داخلی و بین‌بخشی با توسعه اقماری صنایع کوچک و زنجیره‌های تولید میان واحدهای کوچک، متوسط و بزرگ صنعتی مورد توجه قرار گرفت. اگر چه تنوع سیاستی برنامه دوم فراتر از برنامه اول بود، ولی بر اثر عدم تحقق مجموعه‌ای از سیاستهای هماهنگ و یکپارچه و الزامات نهادی، عملکرد برنامه دوم توسعه نشان داد که دستیابی به اهداف کمی برنامه آن چنان که باید محقق نشده است. بررسیهای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در برنامه دوم ادامه یافت و سرانجام در تیرماه ۱۳۷۵ به تسلیم درخواست الحاق ایران به سازمان مذکور انجامید.

سیاستهای تجاری برنامه دوم به شرح زیر است:

- ۱- اصلاح قانون صادرات و واردات و اتخاذ سیاستهای ارزی و تعرفه‌ای مناسب برای ثبات سیاستها و تشویق صادرات؛
- ۲- اتخاذ سیاستهای اعتباری و مالیاتی مناسب برای صادرات؛
- ۳- استرداد حقوق و عوارض گمرکی کالاهای صادراتی؛
- ۴- ایجاد تسهیلات لازم برای صدور ضمانتهای ارزی برای شرکتهای داخلی که در مناقصه‌های بین‌المللی برنده می‌شوند؛
- ۵- کمک به بازاریابی برای کالاهای تولید داخلی؛
- ۶- تقویت بانک توسعه صادرات در جهت کمک به صادرکنندگان؛
- ۷- انطباق استانداردها با سلیقه کشورهای واردکننده؛
- ۸- منسجم کردن تشکیلات موجود در امور صادرات؛
- ۹- استفاده از وسایل ارتباط جمعی کشورهای خارجی برای بازاریابی و تبلیغات؛
- ۱۰- تقویت صندوق ضمانت صادرات و ایجاد نظام بیمه صادراتی؛
- ۱۱- شناسایی بازارهای جدید برای توسعه صادرات کنونی؛
- ۱۲- تسهیل مراحل ترخیص کالا برای واردات و صادرات؛
- ۱۳- تقلیل سود بازرگانی کالاهای وارداتی از کشورها درمقابل کسب امتیاز در رابطه با کالاهای صادراتی کشور، برقراری سود بازرگانی اضافی در رابطه با کشورهایی که

تضییقاتی برای صادرات جمهوری اسلامی ایران ایجاد کنند، و تعیین قیمت پایه جهت مقابله با دامپینگ یا قیمت‌شکنی؛

۱۴- حذف معافیت‌های خاص تعرفه‌ای و جایگزین کردن اعتبارات لازم برای دستگاه‌هایی که امکان تأمین هزینه‌های مذکور را از محل عرضه کالا و خدمات ندارند؛

۱۵- اصلاح مقررات و ساختار و تشکیلات گمرک با هدف توسعه صادرات.

در زمینه رقابت داخلی سیاست‌های زیر مد نظر قرار گرفت:

- ۱- کاهش تمرکز قدرت اقتصادی مؤسسات و دستگاه‌ها یا شرکتهای دولتی و مقابله با انحصارگرایی؛
  - ۲- لغو کلیه تخفیف‌ها، ترجیحات، معافیت‌های حقوق گمرکی و سود بازرگانی دستگاه‌هایی که شمول آنها مستلزم ذکر نام است به منظور ارتقای توان رقابت داخلی؛
  - ۳- کاستن از حجم بخش دولتی از طریق حذف برخی تشکیلات، ادغام وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و واگذاری برخی فعالیتها به بخشهای خصوصی و تعاونی؛
  - ۴- ادامه و تسریع واگذاری شرکتهای دولتی و تحت پوشش دولت به بخشهای خصوصی و تعاونی؛
  - ۵- تشویق و حمایت از ایجاد تشکلهای تخصصی در زمینه‌های مختلف؛
  - ۶- واگذاری بخشی از فعالیت‌های اقتصادی و اجرایی و عمرانی دولت به مردم که به اعمال حاکمیت دولت لطمه نمی‌زند؛
  - ۷- واگذاری تمام شرکتهای و واحدهای صنعتی تحت پوشش سازمان منابع ملی ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت ملی فولاد به بخش غیردولتی؛
  - ۸- واگذاری سهام شرکتهای صنعتی و معدنی متعلق به بانکها به بخش غیردولتی.
- در زمینه توسعه سرمایه‌گذاری خارجی هم موارد زیر مد نظر قرار گرفت:
- ۱- حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در کشور بویژه در جهت جذب فناوری پیشرفته

و توسعه صنعتی،

۲- جلب سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل آن از راه‌های مختلف.

### ۲-۲-۳) برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۳-۱۳۷۹)

برنامه سوم با نگرشی متفاوت به امر الزامات تحقق و توسعه ملی در سطوح فرابخشی و بخشی و با تأکید بر اصلاحات ساختاری و نهادی تنظیم و اجرای آن از سال ۱۳۷۹ آغاز شد. این برنامه در کلیت خود اصولاً یک برنامه اصلاح ساختار در سطح اقتصاد ملی بود که مهمترین جهت‌گیری آن، انجام اصلاحات ساختاری و نهادی در بخش عمومی برای افزایش کارایی دولت، افزایش بهره‌وری منابع ملی و تقویت بخش غیردولتی بود. در این زمینه چهار موضوع مهم نظام اداری، شرکتهای دولتی، انحصارات و تمرکززدایی در برنامه سوم مورد توجه قرار گرفت. اگر چه بخشی از سیاستهای صنعتی برنامه به طور پراکنده و در راستای اصلاحات ساختاری و نهادی کلیت برنامه شکل گرفت، ولی همچنان در برنامه سوم نیز هدفها و جهت‌گیریهای توسعه صنعتی در چارچوب یک استراتژی تعریف شده نبود.

سیاستهای تجاری برنامه سوم را می‌توان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

- ۱- رعایت حدود حمایت از صنعت داخلی در جهت تقویت رقابت‌پذیری منطقه‌ای و جهانی؛
- ۲- تشویق، تسهیل و کمک به شکل‌گیری مشارکتهای ایرانی- خارجی بویژه به صورت بیع متقابل به عنوان ابزاری برای توسعه صادرات؛
- ۳- استرداد حقوق گمرکی و سود بازرگانی مواد اولیه و واسطه‌ای وارداتی مورد استفاده در تولید کالاهای صادراتی پس از صدور محصولات تولیدی؛
- ۴- معافیت کالاها و خدمات صادراتی از پرداخت عوارض و مالیات؛
- ۵- معافیت کالاها و خدمات صادراتی از اخذ هرگونه مجوز به استثنای استانداردهای اجباری و گواهیهای مرسوم در تجارت بین‌الملل؛
- ۶- حذف موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی برای رونق تجارت خارجی و تهیه برنامه

- زمانبندی اصلاح نرخهای معادل تعرفه؛
- ۷- ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور فعال شرکتها و مؤسسات فنی و مهندسی اعم از مشاوره و پیمانکاری ایرانی در بازارهای جهانی؛
- ۸- مجاز بودن صدور کلیه کالاها و خدمات به استثنای عتیقه، ذخایر ژنتیک و کالاهای مشمول یارانه مستقیم؛
- ۹- برقراری مابه‌التفاوت در مورد کالاهای وارداتی که دارای امتیاز قابل توجه هستند و استفاده از وجوه ماخوذه در نظام پرداخت یارانه کالاها یا خدماتی که ضرورت استفاده از یارانه را دارند؛
- ۱۰- استمرار یارانه نهاده‌های کشاورزی و تعیین قیمت تضمینی کالاهای اساسی تا میزان هزینه خرید این کالاها از خارج؛
- ۱۱- حمایت دولت در اعطای تسهیلات اعتباری به بخشها و فعالیتهای مختلف به شکل پرداخت یارانه نرخ سود، اعتبارات ترجیحی و قبول تضمین بازپرداخت؛
- ۱۲- تسری کلیه تشویقها و امتیازات صادرات کالا به صادرات خدمات.
- در زمینه رقابت داخلی نیز سیاستهای زیر مد نظر قرار گرفت:
- ۱- فروش سهام شرکتهای قابل واگذاری بخش دولتی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیرضروری است؛
- ۲- سازماندهی لازم به صورت متمرکز برای انجام امر خصوصی‌سازی؛
- ۳- فراهم آوردن محیط آزاد و برخوردار از امنیت برای واحدهای فعال در بخش خصوصی؛
- ۴- بازنگری و اصلاح کلیه قوانین و مقررات موجود انحصار در تولید و توزیع کالاها و خدمات و سرمایه‌گذاری و تهیه و تصویب قوانین و مقررات لازم برای مقابله با شکل‌گیری انحصارات جدید؛
- ۵- لغو انحصاراتی که به موجب دستورالعمل‌ها و مقررات مصوب دولت یا اعطای امتیاز تخصیص منابع ایجاد شده‌اند طی یک سال؛
- ۶- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که اجازه ورود به بازارها را به عهده انحصارات موجود

در آن زمینه گذارده است؛

- ۷- بازنگری در قوانین و مقررات مربوط به نظام صنفی در جهت رفع انحصارات غیرضروری و برطرف کردن موانع موجود به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی جدید؛
  - ۸- تدوین ضوابط و مقررات لازم برای تعریف و تشخیص درجه انحصار و تنظیم عملکرد انحصارات طبیعی و سایر انحصاراتی که لغو نمی‌شوند؛
  - ۹- اصلاح مجموعه سیاست‌های اقتصادی اعم از سیاست‌های پولی، ارزی، مالی و بازرگانی داخلی و خارجی به گونه‌ای که امکان کسب رانت اقتصادی در بخش‌های مختلف از بین برود؛
  - ۱۰- جلوگیری از تبدیل شدن انحصارات بخش عمومی به انحصارات بخش تعاونی و خصوصی در اجرای سیاست خصوصی‌سازی؛
  - ۱۱- کاهش تعدد و حتی‌الامکان تجمیع عوارض مأخوذه از تولیدات صنعتی در قالب یک نرخ مالیاتی؛
  - ۱۲- منطقی کردن هزینه نهاده‌ها (آب، برق، گاز و ...) و نیز متناسب کردن نرخ‌های ترجیحی در جهت حمایت از تولید؛
  - ۱۳- اجازه تأسیس بانک توسط بخش غیردولتی.
- فراهم کردن شرایط لازم برای توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنعت و معدن از مهمترین سیاست‌های توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در برنامه سوم بود.

#### ۴-۲-۲) برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۴-۱۳۸۸)

دولت جمهوری اسلامی ایران در آبان ماه ۱۳۸۳ قانون برنامه چهارم توسعه را برای اجرا در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ ابلاغ نمود. این برنامه نخستین برنامه در اجرای سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران است که ایران را در افق سال ۱۴۰۴ «کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل» ترسیم می‌کند. در پی ابلاغ سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی برنامه چهارم نیز به عنوان نخستین

برنامه دوران بیست ساله در سال ۱۳۸۲ از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ گردید و بر آن اساس برنامه چهارم به عنوان برنامه پنجساله عملیاتی تدوین شد. فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای تحقق رقابت‌پذیری کالاها و خدمات کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی و ایجاد ساز و کارهای مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیرنفتی از جمله سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه است. جهت‌های اصلی برنامه چهارم توسعه شامل رشد اقتصاد ملی دانایی‌محور در تعامل با اقتصاد جهانی، حفظ محیط‌زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای، توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی، صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی- ایرانی، تأمین مطمئن امنیت ملی، نوسازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت می‌شود.

ابعاد سیاستهای تجاری و سیاستهای مؤثر بر رقابت داخلی را مطابق با برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به صورت خلاصه چنین برشمرد:

۱- استفاده از منابع حساب ذخیره ارزی در جهت تأمین اعتبارات لازم برای سرمایه‌گذاری و تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرحهای تولیدی و کارآفرینی و صنعتی، معدنی، کشاورزی، حمل و نقل، خدمات (از جمله گردشگری و ...)، فناوری اطلاعات و خدمات فنی- مهندسی بخش غیردولتی که دارای توجیه فنی و اقتصادی لازم می‌باشند (ماده ۱)؛

۲- ممنوعیت برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح یا معافیت از پرداخت مالیات و حقوق ورودی علاوه بر آنچه در قوانین مربوطه تصویب شده برای اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی در طی سالهای برنامه چهارم توسعه (ماده ۴)؛

۳- تشویق واحدهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی دولتی و غیردولتی در جهت ارتقای بهره‌وری با رویکرد ارتقای کیفیت تولیدات و خدمات و تحقق راهبردهای بهره‌وری در برنامه چهارم توسعه از طریق اعطای جایزه ملی

بهره‌وری به واحدهای بهره‌ور (ماده ۵)؛

۴- خصوصی‌سازی و توانمندسازی بخش غیردولتی در توسعه کشور از طریق روشهای امکانپذیر اعم از مقررات زدایی، واگذاری مدیریت (نظیر اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت) و مالکیت (نظیر اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام، واگذاری اموال) تجزیه به منظور واگذاری، انحلال و ادغام شرکتها، توسط دولت (ماده ۶)؛

۵- رفع انحصارات و رقابتی‌تر کردن فعالیتهای اقتصادی و تنظیم لایحه تسهیل شرایط رقابتی و ضدانحصار؛

۶- کمک به ایجاد شهرکهای فناوری، مؤسسات پژوهشی لازم برای توسعه فناوریهای پیشرفته و جدید، مناطق ویژه صنایع مبتنی بر فناوریهای برتر در جوار قطبهای علمی-صنعتی کشور و برنامه‌ریزی و اجرای توسعه زیرساختها با هدف کاهش هزینه‌های تولید، خلق مزیت‌های رقابتی و در راستای نیازهای توسعه اقتصادی کشور؛

۷- حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی و اعمال نرخهای معادل تعرفه‌ای؛

۸- بازرنگری و اصلاح قانون مقررات صادرات و واردات و قانون امور گمرکی و ایجاد ظرفیتهای قانونی و حقوقی جدید از قبیل تدابیر حفاظتی تجاری اعم از اقدامات جبرانی و ضددامپینگ و اقدامات مؤثر حفاظتی؛

۹- تجهیز مبادی ورودی برای ترانزیت و عبور مطمئن، آزاد و سریع کلیه کالاها و خدمات با نرخ رقابتی؛

۱۰- برقراری هماهنگی میان سیاستهای مالی و پولی با سیاستهای استراتژیک تجاری؛

۱۱- هدفمندسازی و ساماندهی یارانه‌ها و جوایز صادراتی در قالب حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم؛

۱۲- افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات ایران و نیز تأمین مابه‌التفاوت نرخهای اعتباری و گسترش پوشش بیمه‌ای در کشورهای هدف؛

- ۱۳- ممنوعیت برقراری مالیات و عوارض بر صادرات جز عوارض ویژه صادرات مواد اولیه فراوری نشده به منظور صیانت از منابع و استفاده بهینه از آنها؛
- ۱۴- محدود شدن قیمت گذاری به کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی؛
- ۱۵- کنترل نوسانات شدید نرخ ارز؛
- ۱۶- تنظیم تعرفه های واردات نهاده های کالایی تولید مبتنی بر حمایت منطقی و منطبق با مزیت های رقابتی از تولید داخلی آنها و در جهت تسهیل فعالیتهای تولیدی صادرات گرا؛
- ۱۷- انطباق نظام های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین المللی و ارتقای سطح استانداردهای ملی؛
- ۱۸- طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین المللی و پیش بینی ساختارهای اجرایی لازم؛
- ۱۹- الزام کلیه بنگاه های تجاری و شبکه های توزیع به رعایت استانداردهای ابلاغی از سوی وزارت بازرگانی در جهت نوین سازی شبکه های توزیع کشور و پیوستن به سازمان جهانی تجارت.
- ماده ۱۵۵ قانون برنامه چهارم با معرفی خصوصیات اسناد ملی توسعه بخشی، اسناد ملی توسعه استانی و اسناد ملی توسعه ویژه (فرابخشی)، کلیه دستگاه های اجرایی را موظف به تهیه برنامه اجرایی و عملیاتی خود در قالب این اسناد با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و اجرای آن پس از تصویب در هیأت وزیران نمود. بر اساس همین ماده، اقدامات و عملیاتی که در جهت تحقق اهداف این اسناد ضرورت اجرا می یابند در لایحه بودجه سالیانه درج می گردند. سند توسعه ویژه (فرابخشی) «الحاق به سازمان جهانی تجارت» در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران یکی از این اسناد است که به فاصله دو ماه پس از پذیرش درخواست الحاق ایران در

سازمان جهانی تجارت به تصویب جلسه ۵ مرداد ۱۳۸۴ هیأت وزیران رسید. این سند دربردارنده اهداف و راهبردهای کلان الحاق به سازمان جهانی تجارت و سیاستها و اقدامات اجرایی و برخی زمانبندیهای آنهاست. بر اساس ماده ۱۵۷ قانون برنامه چهارم، پیشرفت عملیات اسناد ملی توسعه از موارد گزارش سالیانه نظارت و ارزیابی رئیس جمهور به مجلس است.

### **۳) مقررات جاری قوانین برنامه و الحاق به سازمان جهانی تجارت**

در این بخش مقررات قانون برنامه چهارم و مقررات تنفیذ شده قانون برنامه سوم از منظر الحاق به سازمان جهانی تجارت مورد بررسی قرار می‌گیرند، چرا که از یک طرف مقررات پیشین به دلیل این که عملاً منقضی شده‌اند از اهمیت چندانی برای ارزیابی برخوردار نیستند و از طرف دیگر صرفاً این دو برنامه پس از تسلیم درخواست الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت تنظیم شده‌اند و بنابراین دارای بیشترین مفاد مرتبط با الحاق هستند. این مقررات در قالب سه بخش سیاستهای اقتصادی، تنظیم واردات و تنظیم صادرات دسته‌بندی شده‌اند که در سطور زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### **۱-۳) سیاستهای اقتصادی**

برنامه‌های خصوصی‌سازی، رویه‌های تجارت دولتی، سیاستهای رقابتی، سیاستهای قیمت‌گذاری و اولویتهای منطقه‌ای و بخشی، عمده سیاستهای اقتصادی در قوانین برنامه‌اند که دربردارنده مفاد مرتبط با الحاق به سازمان جهانی تجارت هستند.

##### **۱-۱-۳) برنامه‌های خصوصی‌سازی و رویه‌های تجارت دولتی**

اولین توجه جدی به امر خصوصی‌سازی در چارچوب قانون برنامه اول صورت گرفت. طبق مصوبه دولت در اوایل سال ۱۳۷۰ با رعایت اصل ۴۴ قانون اساسی شرکتهای دولتی مشمول سیاست واگذاری شدند. طی سالهای ۷۸-۱۳۷۴ نیز براساس تبصره ۴۱ قانون برنامه دوم توسعه، دولت موظف گردید که به منظور جلب مشارکت بخشهای خصوصی و

تعاونی با رعایت اصل ۴۴ قانون اساسی، بخشی از فعالیتهای دولتی را به بخش خصوصی و تعاونی واگذار نماید.

برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) در فصول دوم و سوم خود و طی ۲۳ ماده به نحوه ساماندهی شرکتهای دولتی و واگذاری سهام آنها پرداخته بود. مفاد این دو فصل، ناظر بر تعیین نهادهای سیاستگذاری و اجرایی ذی ربط به منظور ساماندهی شرکتهای دولتی و عرضه سهام دولتی بود. تعیین نهاد سیاستگذار برنامه خصوصی سازی (هیأت عالی واگذاری) موضوع ماده ۱۲ قانون برنامه سوم، تشکیل سازمانی به نام سازمان خصوصی سازی به عنوان عامل اجرایی برنامه خصوصی سازی طبق ماده ۱۵ قانون برنامه سوم که وکالت واگذاری شرکتهایی که مورد تصویب قرار گرفته اند را برعهده دارد، ساماندهی شرکتهای دولتی توسط شرکتهای مادر تخصصی و واگذاری شرکتهای زیرمجموعه از طریق این شرکتهای از جمله این مفاد بود.

در بند «ب» ماده ۱۲۴ قانون برنامه سوم (تنفیذ شده در ماده ۹ قانون برنامه چهارم) به شرکتهای دولتی مخابراتی اجازه داده شد که قسمتی از فعالیتهای خود را در زمینه نگهداری و بهره برداری، طراحی، مهندسی، نصب و راه اندازی، آزمایش و تحویل تجهیزات و شبکه ها به بخشهای تعاونی و خصوصی واگذار نمایند. همچنین، مطابق بند «الف» این ماده، بخش غیردولتی در قلمرو شبکه های غیرمادر بخش مخابرات، شبکه های مستقل و موازی پستی و مخابراتی و در امور شبکه تلفن همراه، شبکه پیجو، مراکز تلفن کم ظرفیت تا پنج هزار شماره، شبکه انتقال داده ها، شبکه قبول پستی، شبکه حمل و نقل پستی، شبکه های مخابرات روستایی و شبکه های ارائه خدمات ارزش افزوده با کسب مجوز از هیأت وزیران مجاز به فعالیت هستند.

بر اساس ماده ۹۸ قانون برنامه سوم توسعه و به استناد قانون اجازه تأسیس بانکهای غیردولتی مصوب فروردین ماه ۱۳۷۹ و ضوابط تأسیس بانک غیردولتی مصوب شورای پول و اعتبار، بانکهای خصوصی در سالهای اخیر اجازه تأسیس و فعالیت یافته اند. در همین راستا، تا به حال شش بانک خصوصی و چند مؤسسه اعتباری غیربانکی (غیردولتی) نیز تشکیل شده اند.

مطابق ماده ۶ قانون برنامه چهارم توسعه، به منظور تداوم برنامه خصوصی‌سازی و توانمندسازی بخش غیردولتی در توسعه کشور به دولت اجازه داده شده است که از همه روشهای امکانپذیر، اعم از مقررات‌زدایی، واگذاری مدیریت (نظیر اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت) و مالکیت (نظیر اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام و واگذاری اموال) به منظور واگذاری، انحلال و ادغام شرکتها استفاده کند.

در این قانون، علاوه بر موارد مذکور در قانون برنامه سوم، در این خصوص آمده است که ادامه‌فعالیت شرکتهای دولتی تنها در شرایطی ممکن است که فعالیت آنها انحصاری باشد یا بخش غیردولتی انگیزه‌ای برای فعالیت در این زمینه نداشته باشد (بند «د» تبصره ۶ ماده ۷ قانون برنامه چهارم).

همچنین در بند «ط» از همین تبصره آمده است که دولت مکلف است حداکثر تا سال سوم برنامه نسبت به اصلاح ساختار و سودآوری شرکتهای دولتی که به استناد صورتهای مالی سال اول برنامه زیانده هستند اقدام و در غیر این صورت آنها را منحل کند.

ماده ۸ قانون برنامه چهارم ناظر بر کاهش اتکای منابع عمومی دولت به فروش سهام شرکتهای تحت مجموعه و استفاده از آن در جهت ارتقای کارایی و اصلاح ساختار و ساماندهی شرکتهای دولتی و آمادگی آنها برای واگذاری است.

در ماده ۲۵ این قانون تصریح شده که دولت موظف است با حفظ مالکیت خود حداقل ۱۰ درصد از ظرفیت انجام فعالیت مربوط به اکتشاف، استخراج و تولید نفت و گاز، پالایش، پخش و حمل و نقل مواد نفتی و گازی و همچنین حداقل ۱۰ درصد از انجام فعالیت مربوط به تولید و توزیع برق را به بخش غیردولتی واگذار کند.

همچنین، در شق پنجم بند «ج» ماده ۲۸ قانون برنامه چهارم توسعه آمده است که دولت مجاز است سهام شرکتهای هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران را به نحوی که حداقل ۵۱ درصد آن در مالکیت دولت باقی بماند و سهام شرکت ایران ایرتور را به بخش غیردولتی واگذار نماید.

مطابق مواد ۱۳۵ و ۱۳۶ قانون برنامه چهارم و به منظور کاهش حجم تصدیهای دولتی و افزایش مشارکت مردم در اداره امور کشور، سالیانه باید حداقل ۳ درصد از تصدیهای

اجتماعی، فرهنگی، تولیدی، خدماتی و نظایر آن توسط دستگاههای اجرایی کاهش یافته و بخشی از منابع مربوطه برای توسعه بخش غیردولتی به کار گرفته شود.

تا پایان برنامه چهارم باید سالیانه حداقل به میزان ۲ درصد نسبت اعتبارات شرکتیهای دولتی و بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی کاهش یابد.

اما اساسیترین اقدام در زمینه خصوصی سازی مقارن با آغاز برنامه چهارم توسعه در سال ۱۳۸۴ با ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به دولت صورت گرفت. بر اساس بند «الف» این ابلاغیه، در راستای توسعه بخشهای غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی، دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد و موظف است حداکثر تا پایان برنامه پنجساله چهارم تمامی فعالیتهای قبلی خارج از شمول صدر اصل ۴۴ را به بخشهای تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند (سالیانه حداقل ۲۰٪ کاهش فعالیت). مطابق بند «ب» ابلاغیه، با اعمال سیاستهایی در حمایت از بخش تعاونی، سهم این بخش در اقتصاد کشور تا آخر برنامه پنجساله پنجم به ۲۵ درصد خواهد رسید. بر اساس بند «ج» که در سال دوم برنامه چهارم ابلاغ گردید، واگذاری ۸۰ درصد سهام بنگاههای دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ با استثنائاتی به بخشهای خصوصی، شرکتیهای تعاونی سهامی عام و بنگاههای عمومی غیردولتی، مجاز اعلام شد. بند «د» ابلاغیه الزامات واگذاری و مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری را معین کرده است و بند «ه» سیاستهای کلی اعمال حاکمیت عمومی دولت و جلوگیری از ایجاد انحصار توسط بنگاههای اقتصادی غیردولتی را دربرمیگیرد. شایان ذکر است که فعالیتهای مشمول صدر اصل ۴۴ شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکههای بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینهاست.

در مقررات سازمان جهانی تجارت، الزامی برای خصوصی سازی وجود ندارد و آنچه در خصوص بنگاههای تجاری دولتی در مفاد گات آمده است ناظر بر رفتار این بنگاههاست و نه مالکیت آنها. در عین حال، در مذاکرات الحاق از کشور در حال الحاق

خواسته می‌شود که برنامه‌های خصوصی‌سازی خود و جداول زمانی آنها را اعلام نماید و متعهد گردد که با رعایت کامل شفافیت، نحوه پیشرفت در برنامه‌های خصوصی‌سازی خود را به طور منظم به اطلاع اعضا برساند.

ماده ۱۷ گات ۱۹۹۴ صرفاً این الزام بنیادین را در ارتباط با بنگاههای تجاری دولتی بر اعضای سازمان جهانی تجارت بار کرده است که بنگاههایی که متعلق به دولت هستند یا امتیازات منحصر به فرد یا ویژه‌ای را از دولت دریافت می‌کنند باید در عملکرد خود اصول کلی رفتار غیرتبعیض‌آمیز را رعایت کنند، بدین معنی که باید هرگونه خرید یا فروشی را منحصرأ بر مبنای ملاحظات اقتصادی انجام دهند- البته این اصل در مورد تدارکات دولتی- یعنی خریدهایی که دولتها یا کارگزاریهای دولتی، نه برای تغییر شکل و فروش مجدد، بلکه برای مصرف مستقیم خود انجام می‌دهند- قابل اعمال نیست(مگر در صورت عضویت در موافقت‌نامه اختیاری تدارکات دولتی که البته اغلب کشورهای اخیراً ملحق شده به سازمان جهانی تجارت ناگزیر متعهد به آغاز مذاکرات عضویت در این موافقت‌نامه اختیاری شده‌اند). اعضای سازمان جهانی تجارت ملزم به اعلام محصولات هستند که بنگاههای تجاری دولتی آنها وارد یا صادر می‌کنند. در مذاکرات دور اروگوئه تفاهم‌نامه‌ای در این خصوص به امضا رسید که در آن در مورد بنگاههای تجاری دولتی که باید فهرستشان به سازمان جهانی تجارت داده شود، تعریفی عملی ارائه شد و همچنین برای بررسی موضوع بر مبنای اطلاعات به دست آمده از طریق اطلاعیه‌های صادره توسط اعضا، یک گروه کاری تشکیل گردید.

## ۲-۱-۳) سیاستهای رقابتی

در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دولت ضمن تلاش برای ایجاد بسترهای مناسب برای ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد، مکلف به انجام عملیات ضدانحصاری شده است که موارد زیر از آن جمله‌اند:

۱- مطابق ماده ۳۸ قانون برنامه چهارم دولت موظف است در قلمروهای اقتصادی که انحصار طبیعی و یا قانونی وجود دارد و همچنین در قلمروهایی که انحصارات

جدید، ناشی از توسعه اقتصادی شبکه‌ای و فناوری اطلاعات و ارتباطات به وجود می‌آید، با رعایت حقوق شهروندان، لایحه تسهیل شرایط رقابتی و ضدانحصار را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند.

۲- طی بند «الف» ماده ۴۰ این قانون، برای ادغام شرکتها و بنگاهها و شکل‌گیری شرکتهای بزرگ، دولت مجاز به ادغام شرکتهای تجاری موضوع باب سوم «قانون تجارت» شناخته شده است، به شرط آن که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود. این ماده همچنین دولت را موظف ساخته است که ضمن تأمین شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری، دامنه مفید و مجاز ادغامها را در تدوین لایحه «تسهیل رقابت و کنترل انحصار» پیش‌بینی نماید.

۳- مطابق بند «ه» ماده ۴۱ این قانون، دولت مکلف شده است لایحه جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات را تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند.

در سازمان جهانی تجارت، سیاست رقابتی یکی از موضوعات جدید این سازمان است که هنوز قواعد خاصی برای آن تدوین نشده است. موضوع تعامل میان تجارت و سیاست رقابتی در نتیجه تصمیمات اخذ شده در نخستین نشست وزیران سازمان جهانی تجارت در سنگاپور در ۱۹۹۶ به برنامه کاری این سازمان افزوده شد و بدین منظور گروه کاری تجارت و سیاست رقابتی ایجاد شد. مقصود از سیاست رقابتی در این گروه کاری، سیاستها و قوانین حاکم بر رفتار ضد رقابتی شرکتهاست. تمرکز اصلی مباحث در این گروه کاری، تعامل میان تجارت و سیاست رقابتی می‌باشد. ارتباط تجارت و سیاست رقابتی با توسعه و رشد اقتصادی، تأثیر اقدامات ضد رقابتی شرکتها و مؤسسات در تجارت بین‌الملل، مقررات و انحصارات دولتی، ارتباط میان سرمایه‌گذاری و سیاست رقابتی، ارتباط میان جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری و سیاست رقابتی و تأثیر سیاست تجاری بر رقابت از رئوس مباحث مطرح شده در گروه کاری ذی‌ربط در سازمان جهانی تجارت می‌باشند.

موضوع تعامل میان تجارت و سیاست رقابتی همانند موضوعات مربوط به تجارت و سرمایه‌گذاری و نیز شفافیت در تدارکات دولتی، به دنبال تصمیم شورای عمومی سازمان

جهانی تجارت در ژوئیه ۲۰۰۴ از دستور کار مذاکرات دوحه خارج شد و گروه‌های کاری ذی‌ربط به حالت غیرفعال درآمدند.

در مذاکرات الحاق نیز کشورهای متقاضی الحاق اگرچه گزارشی از وضعیت کشورشان در خصوص سیاست رقابتی را در رژیم تجاری خود ذکر می‌کنند، اما در این زمینه، جز ذکر موارد حقوق انحصاری بنگاه‌های تجاری دولتی که مشمول تعهدات ماده ۱۷ گات قرار می‌گیرند، تعهدات خاصی در مجموعه تعهدات الحاق این کشورها به چشم نمی‌خورد. از میان ۱۵۰ عضو سازمان جهانی تجارت در حدود نیمی از آنها دارای قانون رقابت هستند. در این کشورها، قانون رقابت عموماً عنصری از مجموعه اصلاحات مرتبط شامل آزادسازی تجارت و رژیم‌های سرمایه‌گذاری خارجی، خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی و اصلاحات تنظیمی خاص هر بخش تلقی می‌گردد که به طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند. هدف اصلی قوانین رقابت ملی، حفظ و توسعه رقابت به عنوان ابزار تضمین تخصیص کارای منابع در اقتصاد است که نتیجه‌اش نه تنها در ارتقای کارایی بلکه در کیفیت محصولات و خدمات، کاهش قیمت‌ها و عرضه کافی برای مصرف‌کنندگان نیز ظاهر می‌گردد. در عین حال، بسیاری از قوانین رقابت، اهداف دیگری مانند کنترل تمرکز قدرت اقتصادی، ارتقای رقابت‌پذیری صنایع داخلی، تشویق نوآوری، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و تشویق ادغام منطقه‌ای را هم ذکر می‌کنند که برخی از آنها ممکن است گاه در تضاد با هدف کارایی باشد.

گسترش آزادسازی تجاری و جهانی‌شدن فعالیتهای بازرگانی و همچنین افزایش اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یک موتور رشد در شرایط کنونی اقتصاد، نسبت به گذشته، کشورها را واداشته است که به جای استفاده از ابزارها و رهیافتهای مداخله‌گرایانه‌تر، سیاست رقابتی را لازمه ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تلقی کنند. در مقابل، برخی معتقدند که قانون جامع رقابت برای تضمین درجه مطلوب رقابت ضروری نیست. بسیاری از اعضای سازمان جهانی تجارت معتقدند که ویژگی‌های خاصی از کشورهای در حال توسعه مانند سطوح پایین درآمد، توزیع نامتقارن

ثروت، سطوح پایین آموزش و اطلاعات نامتقارن، روشهای منعطف‌تر و مداخله‌گزینشی‌تر دولت در بازار را ضروری می‌سازد. به هر حال، با توجه به ماهیت بسیار پیچیده این قانون، پذیرش آن توسط کشورهای که چنین قانونی در حال حاضر ندارند، زمانبر خواهد بود.

ارتباط میان حقوق مالکیت فکری و سیاست رقابتی نیز موضوعات پیچیده‌ای را مطرح می‌سازد. در حالی که هدف قانون رقابت تضمین عدم سوء استفاده دارندگان حقوق انحصاری از حقوقشان و اجتناب از اعطای پادشاهای نامعقول به آنهاست، هدف حقوق مالکیت انحصاری اعطاشده تحت رژیمهای مالکیت فکری، ارائه پاداش کافی برای داراییهای ناشی از کار فکری است. از سوی دیگر، افزون بر اثرات بالقوه ضد رقابتی که ترتیبات حق امتیاز می‌تواند در برخی از موارد داشته باشد، منافع کارایی حاصل از اعطای حق امتیاز به صاحبان حقوق مالکیت فکری نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس ماده ۴۵ قانون برنامه چهارم، دولت موظف شده است که به منظور گسترش بازار محصولات دانایی محور، تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و نوآوری و نیز گسترش نقش بخش خصوصی و تعاونی در این زمینه، طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین‌المللی و پیش‌بینی ساختارهای اجرایی لازم را به انجام برساند.

با توجه به مباحث فوق، حرکت به سوی رعایت حقوق مالکیت فکری در قانون برنامه چهارم علاوه بر آن که اقدامی در جهت انطباق با مقررات سازمان جهانی تجارت تلقی می‌گردد، از جهاتی می‌تواند با سیاست‌گذاری رقابتی قانون برنامه چهارم نیز همخوانی داشته باشد. شایان ذکر است که موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری سازمان جهانی تجارت از جامعترین و کاملترین موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در خصوص حمایت از حقوق مالکیت فکری محسوب می‌شود. این موافقت‌نامه استانداردهای حداقلی را در حمایت از انواع مختلف حقوق مالکیت فکری شامل حق نسخه‌برداری و حقوق جانبی و نیز حقوق مربوط به علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه و اطلاعات افشانشده معین می‌سازد و در عین حال مقررات ماهوی چند کنوانسیون بین‌المللی در حمایت از حقوق مالکیت فکری را لازم الاجرا می‌شمارد.

### ۳-۱-۳) سیاستهای قیمت گذاری

بندهای «الف» و «ب» ماده ۳ قانون برنامه چهارم مصوب ۱۱ شهریور ۱۳۸۳ مقرر کرده است که قیمت گذاری نفت کوره، نفت گاز و بنزین بر مبنای قیمت‌های عمده فروشی خلیج فارس صورت گیرد. به موجب تبصره‌های همین ماده، نفت گاز برای تأمین آب بخش کشاورزی با قیمت نفت سفید یارانه‌ای به صورت سهمیه‌ای عرضه خواهد شد و معادل یارانه مربوطه در مورد مصرف نفت گاز، ماشین‌آلات کشاورزی در اختیار بخش کشاورزی قرار می‌گیرد. قیمت گاز طبیعی برای صنایع بر مبنای کمترین سطح قیمت آن در صنایع کشورهای همجوار تعیین می‌شود و عرضه نفت سفید و گاز مایع برای مصارف تجاری و صنعتی به قیمت بدون یارانه خواهد بود. در ماده ۲۲، قیمت گاز طبیعی فشرده حداکثر معادل ۴۰ درصد قیمت بنزین تعیین شده است. ماده ۲۶ نیز نحوه تعیین نرخهای ترجیحی هزینه‌های برق، گاز، تلفن، آب و فاضلاب را در جهت منطقی نمودن و متناسب کردن آن برای حمایت از تولید (در مقایسه با بخشهای غیرتولیدی) معین می‌سازد. بعلاوه، مطابق بند «ج» ماده ۳۹، قیمت گذاری به کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی محدود می‌گردد.

اما ماده ۳ قانون برنامه چهارم در ۲۲ دی ۱۳۸۳ به موجب ماده واحده‌ای مورد اصلاح قرار گرفت و مواد مغایر با آن لغو گردید. مطابق این اصلاحیه، قیمت فروش بنزین، نفت گاز، نفت سفید، نفت کوره و سایر فرآورده‌های نفتی، گاز، برق و آب، همچنین نرخ خدمات فاضلاب، ارتباطات تلفن و مرسولات پستی برای سال اول برنامه در قیمت‌های پایان شهریور ۱۳۸۳ تثبیت و مقرر گردید که برای سالهای بعدی برنامه، تغییر در قیمت طی لوایحی همراه با توجیه اقتصادی - اجتماعی آن به مجلس پیشنهاد شود.

بند ۹ ماده ۳ گات تأیید می‌کند که اقدامات مربوط به کنترل حداکثر قیمت داخلی، حتی اگر بر مقرر رفتار ملی منطبق باشند، می‌توانند برای منافع طرفهای متعاقد عرضه‌کننده محصولات وارد شده به کشور آثاری زیانبار داشته باشند و بنابراین، طرفهای متعاقدی که چنین اقداماتی را به عمل می‌آورند به منظور اجتناب از این آثار زیانبار تا سرحد امکان، منافع طرفهای متعاقد صادرکننده را در نظر خواهند گرفت.

از آنجا که انحصارات از موارد رایج مشمول سیاستهای قیمت‌گذاری در کشورها هستند، ماده ۸ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات نیز که به موجب آن عرضه‌کنندگان انحصاری خدمات در یک کشور عضو نباید از موقعیت انحصاری خود برای فعالیت به گونه‌ای مغایر با اصل رفتار دولت کامله‌الوداد و تعهدات دسترسی به بازار آن کشور استفاده کنند، از جمله مقررات مرتبط با قیمت‌گذاری در سازمان جهانی تجارت تلقی می‌گردد.

تعهدات الحاق کشورهای ملحق‌شده به سازمان جهانی تجارت نیز منعکس‌کننده دو تعهد فوق می‌باشند. این کشورها فهرست معینی از کالاهای مشمول قیمت‌گذاری را منتشر می‌سازند و متعهد می‌گردند که سیاستهای قیمت‌گذاری خود را به نحوی سازگار با سازمان جهانی تجارت، با رعایت مفاد مقررات فوق، در چارچوب فهرست مذکور و یا اقلام آتی اعمال کنند.

اما در خصوص قیمت‌گذاری دوگانه انرژی، چالشهای جدیتری در مذاکرات الحاق کشورهای صادرکننده انرژی همچون روسیه و عربستان مطرح بوده است. در این مذاکرات، قیمت‌گذاری دوگانه انرژی از سوی برخی طرفهای مذاکره‌ای به منزله یارانه پنهان تلقی گردیده و درخواست حذف قیمت‌گذاری دوگانه طرح شده است. این در حالی است که بر اساس مقررات سازمان جهانی تجارت چنین یارانه‌ای به جهت آن که به بنگاه یا صنعت خاصی اختصاص ندارد، مجاز بوده و قابل تعقیب نیست. بر این اساس، عربستان در تعهد الحاق خود صرفاً پذیرفته است که قیمت‌های عرضه داخلی انرژی به میزانی باشد که هزینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری و سود معقولی را دربرگیرد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که سیاستهای قیمت‌گذاری قانون برنامه مغایرتی با مقررات سازمان جهانی تجارت ندارد، اما چالشهای مذاکره‌ای مشابهی در خصوص قیمت‌گذاری دوگانه انرژی برای ایران نیز قابل پیش‌بینی است.

#### ۴-۱-۳) اولویتهای منطقه‌ای و بخشی

فصل ششم قانون برنامه چهارم توسعه، با عنوان «آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای» به

توسعه منطقه‌ای مربوط می‌شود. در این فصل ذیل ماده ۷۲ آمده است که دولت مکلف است به منظور توزیع مناسب جمعیت و فعالیتهای در پهنه سرزمین، با استفاده از مطالعات انجام‌شده، سند ملی آمایش سرزمین مشتمل بر سطوح کلان، بخشی و استانی را به مرحله اجرا در آورد. طبق ماده ۷۴ این قانون، دولت بایستی ضمن به هنگام نمودن سند ملی آمایش سرزمین متناسب با تحولات جهانی، منطقه‌ای و فنی، این سند را در تصمیم‌گیریهای اجرایی، مرجع اصلی هماهنگیهای بین‌بخشی، بین منطقه‌ای و بخشی - منطقه‌ای قرار دهد.

می‌توان گفت که سیاستهای منطقه‌ای در قانون برنامه با هدف توازن منطقه‌ای تنظیم شده و در عین حال در مواردی اولویتهای تجاری خاصی برای مناطق محروم (ماده ۲۷)، مناطق آزاد و ویژه اقتصادی (مواد ۳۵ و ۴۰) و پارکهای علم و فناوری (ماده ۴۷) در نظر گرفته است.

بر اساس مقررات سازمان جهانی تجارت، با انقضای مهلت ماده ۳۱ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی در اول ژانویه ۲۰۰۰ که اعمال موقت برخی از یارانه‌های خاص را تا مدت پنج سال مجاز می‌شمرد، کمکهای یارانه‌ای به مناطق محروم در چارچوب کلی طرحهای توسعه‌ای همچون دیگر یارانه‌های خاص منطقه‌ای، اگرچه ممنوع نمی‌باشند، اما در رده یارانه‌های قابل پیگیری قرار می‌گیرند، بدین معنا که می‌توانند مشمول طرح شکایت یا وضع عوارض جبرانی سایر اعضا قرار گیرند. کمکهای دولت برای فعالیتهای تحقیقاتی در بنگاههای اقتصادی نیز در همین چارچوب قابل پیگیری می‌باشند.

در خصوص مناطق آزاد تجاری، مطابق بند «ج» ماده ۳۵ قانون برنامه چهارم، کالاهای تولید یا فراوری‌شده در مناطق آزاد هنگام ورود به سایر نقاط کشور به میزان مجموع ارزش افزوده و ارزش مواد اولیه داخلی و قطعات داخلی به کار رفته در آن، مجاز و تولید داخلی محسوب و از پرداخت حقوق ورودی معاف خواهند بود. بر اساس تبصره همین ماده، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارجی به کار رفته در تولید مشروط به پرداخت حقوق ورودی در حکم مواد اولیه و کالای داخلی می‌باشند.

مطابق مقررات سازمان جهانی تجارت، تشکیل مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی که در آنها سیاستهای تجاری آزادتری اعمال می‌گردد و معافیهایی بر حقوق ورودی و مالیات

در آنها در نظر گرفته می‌شود بلامانع است. البته این مناطق تحت شمول تعهدات الحاق و ضوابط سازمان جهانی تجارت بویژه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری، یارانه‌ها و حقوق مالکیت فکری و نیز اصل عدم تبعیض قرار می‌گیرند و این ضوابط در اعمال مشوقها و یا الزامات خاص سرمایه‌گذاری در این مناطق باید مدنظر قرار گیرند. بعلاوه، کالاهایی که از این مناطق به سرزمین اصلی وارد می‌شوند باید مشمول رفتار عادی تجاری در مورد پرداخت حقوق ورودی و مالیات قرار گیرند و رفتارهای ترجیحی تعرفه‌ای به هنگام ورود به سرزمین اصلی باید حذف شوند. فراتر از ضوابط سازمان جهانی تجارت، برچیدن الزامات عملکرد صادراتی در مناطق آزاد از یکی از کشورهای اخیراً ملحق شده خواسته شده است.

در قوانین موجود، خصوصاً قانون برنامه چهارم، مقررات و ضوابطی درخصوص کمک به تقویت برخی از بخشهای اقتصادی وجود دارد که در زیر به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

بر اساس بند «ه» ماده ۱ قانون برنامه چهارم، حداقل ۱۰ درصد از منابع قابل تخصیص حساب ذخیره ارزی به بخش غیردولتی در اختیار بانک کشاورزی قرار می‌گیرد تا به صورت ارزی، ریالی جهت سرمایه‌گذاری در طرحهای موجه بخش کشاورزی و سرمایه در گردش طرحهایی که با هدف توسعه صادرات انجام می‌شود، توسط بانک کشاورزی در اختیار بخش غیردولتی قرار گیرد.

در بند «الف» ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه آمده است که از ابتدای برنامه چهارم هرگونه سهمیه‌بندی تسهیلات بانکی (به تفکیک بخشهای مختلف اقتصادی و منطقه‌ای) و اولویتهای مربوط به بخشها و مناطق با تصویب هیأت وزیران از طریق تشویق نظام بانکی با استفاده از یارانه نقدی و وجوه اداره‌شده صورت می‌گیرد. نرخ سود تسهیلات بانکی برای کلیه مناطق، بخشهای مختلف اقتصادی و یا اشخاص حقیقی و حقوقی در طول برنامه چهارم در چارچوب سیاستهای پولی مصوب شورای پول و اعتبار در اختیار هر بانک می‌باشد و اعمال اولویت توسط دولت (تسهیلات با نرخ کمتر) صرفاً از طریق پرداخت یارانه نقدی و وجوه اداره‌شده صورت خواهد گرفت.

در شق دوم بند «ج» ماده ۱۰ این قانون آمده است که در طول سالهای برنامه چهارم، حداقل ۲۵ درصد از تسهیلات اعطایی کلیه بانکهای کشور با هماهنگی دستگاههای اجرایی ذی ربط به بخش آب و کشاورزی اختصاص می یابد.

در ماده ۱۱ این قانون نیز تصریح شده است که ۳ درصد از سپرده قانونی بانکها نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای درصد سال ۱۳۸۳ در اختیار بانکهای کشاورزی، مسکن و صنعت و معدن (هر بانک ۱٪) قرار گیرد تا صرف اعطای تسهیلات به طرحهای کشاورزی و دامپروری، احداث ساختمان و مسکن، و تکمیل طرحهای صنعتی و معدنی بخش غیردولتی شود که ویژگی عمده آنان اشتغالزایی می باشد.

در ماده ۱۸، برنامه توسعه بخش کشاورزی و منابع طبیعی با محوریت خودکفایی در تولید محصولات اساسی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی پیش بینی شده است که در بردارنده اقداماتی از جمله سیاستهای حمایتی درآمدی از کشاورزان و پوشش حداقل ۵۰ درصد بیمه محصولات کشاورزی می باشد.

در شق چهارم بند «و» ماده ۲۱ آمده است که در جهت ایجاد ارزش افزوده بیشتر و استفاده از منابع گاز در توسعه صنعتی و معدنی به دولت اجازه داده می شود با رعایت سقفهای مصوب ماده ۱۳ برنامه در خصوص تنظیم تعهدات ارزی کشور، تا مبلغ ۹ میلیارد دلار در جهت ایجاد صنایع انرژی بر و صنایع دارای مزیت نسبی با هدف صادراتی تعهد و تأمین نماید.

بر اساس موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی سازمان جهانی تجارت، علاوه بر یارانه های خاص منطقه ای، یارانه ای که به بخشی خاص تعلق گیرد قابل تعقیب می باشد و می تواند در صورت ایراد آثار سوء بر منافع کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت مشمول طرح شکایت یا وضع عوارض جبرانی آنان گردد.

شایان ذکر است که موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی سازمان جهانی تجارت صرفاً ناظر بر یارانه های صنعتی می باشد. یارانه های بخش کشاورزی نیز اگرچه ممنوع نمی باشند اما با انقضای مهلت عدم پیگیری آنها تحت موافقت نامه کشاورزی (ماده صلح)، قابل پیگیری تلقی می گردند. یارانه های خدمات نیز تنها در صورتی در بخش خدماتی

برخوردار از یارانه، ممنوع یا قابل پیگیری تلقی می‌شوند که اولاً کشور عضو در آن بخش خاص خدماتی، تعهد رفتار ملی را پذیرفته باشد و ثانیاً اعطای یارانه در آن بخش با نقض تعهد مذکور همراه بوده و کشور اعطاکننده یارانه آن را از تعهدات خود مستثنی نکرده باشد.

## ۲-۳) تنظیم واردات

ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه، دولت را موظف ساخت که برای رونق تجارت خارجی موانع غیر تعرفه‌ای و غیرفنی را با رعایت ممنوعیتهای شرعی حذف و نسبت به تهیه برنامه زمانبندی اصلاح نرخهای معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش‌آگهی و تعیین تعرفه‌های گمرکی اقدام کند. بند «ز» ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم نیز دولت را مکلف ساخته است که تا پایان سال اول برنامه در خصوص موارد فوق اقدام نماید.

همچنین تنظیم تعرفه‌های واردات نهاده‌های کالایی تولید مبتنی بر حمایت منطقی و منطبق با مزیت‌های رقابتی از تولید داخلی آنها و در جهت تسهیل فعالیت‌های تولیدی صادرات‌گرا در بند «ب» ماده ۴۱ مد نظر قرار گرفته است. مطابق ماده ۶۹ نیز تعرفه واردات چوب به منظور حفاظت از منابع طبیعی حذف شده است.

به طور کلی، مقررات سازمان جهانی تجارت حمایت از صنایع و بنگاه‌های داخلی را تنها با تعرفه که شفافترین ابزار حمایتی است تجویز می‌کند (مواد ۲ و ۱۱ گات). بعلاوه، شفافیت در کلیه قوانین و مقررات تجاری و احکام قضایی و دستورات اداری مرتبط با تجارت را از طریق انتشار آنها تضمین می‌نماید (بند ۱ ماده ۱۰ گات).

از آنجا که این سازمان بر آن است که به طرف‌های تجاری نسبت به عدم تغییر شرایط موجود و اعلام قبلی تغییرات در صورتی که این تغییرات ضروری باشد اطمینان دهد، برقراری موانع غیرتعرفه‌ای فرا راه تجارت را مگر در شرایطی خاص و با اعلام قبلی منع می‌نماید (ماده ۱۱ گات). این مقررات تصریح دارند که کشورها باید تعرفه‌ها را تثبیت نمایند، به نحوی که نرخ تعرفه‌ها را به بیش از سقف تعیین‌شده مگر در شرایطی خاص افزایش ندهند (ماده ۲ گات).

بر این اساس، کشورهای متقاضی عضویت در سازمان جهانی تجارت علاوه بر آن که باید در فرایند الحاق، مذاکراتی را برای کاهش موانع تعرفه‌ای خود با این سازمان انجام دهند، از استفاده از سایر اشکال حمایت در قالب عوارض یا مقررات ناظر بر خرید، فروش، حمل یا توزیع کالا، مانند روشهای ارزشگذاری گمرکی، اخذ هزینه‌ها یا تشریفات مربوط به واردات و صادرات و الزامات مربوط به نصب علائم مبدأ (موادی از بخش دوم گات شامل مواد ۴ تا ۱۹) نیز منع می‌شوند.

رعایت ممنوعیتهای شرعی در واردات که در ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم مد نظر می‌باشد، در مقررات سازمان جهانی تجارت پذیرفته شده است. ماده ۲۰ گات (استثنائات عمومی) تأیید می‌کند که دولتها ممکن است مجبور گردند برای تحقق اهدافی عمومی همچون حفظ اخلاق عمومی، اقداماتی اتخاذ کنند و هیچ مقرره‌ای در گات ۱۹۹۴ مانع از آن نخواهد شد. البته در مورد استثنائات عمومی، شرط اتخاذ اقدامات مورد نظر آن است که متضمن تبعیض خودسرانه یا غیرقابل توجیه یا اعمال موانع پنهان بر تجارت بین‌الملل نباشند.

به موجب بند «ح» ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه نیز دولت مکلف است تدابیر و اقدامات مؤثر حفاظتی، جبرانی و ضددامپینگ را در مواردی که کالایی با شرایط غیرمتعارف و با امتیاز قابل توجه به کشور وارد می‌شود اتخاذ و اعمال نماید. همچنین به موجب بند «ل» ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف است مقررات ضددامپینگ را تدوین نموده و به تصویب مرجع ذی‌ربط برساند.

بر اساس مقررات سازمان جهانی تجارت، اقدامات حفاظتی، جبرانی و ضددامپینگ و وضع مقررات ملی مربوط به آنها برای اعضا و متقاضیان الحاق اجباری نمی‌باشد، بدین معنا که اعضا الزامی به انجام این اقدامات یا تصویب قوانین داخلی مربوطه ندارند. اما چنانچه کشوری قصد انجام اقدامات محدودکننده به منظور رفع لطمات ناشی از افزایش ناگهانی واردات، واردات یارانه‌ای و یا زیر قیمت را داشته باشد، باید کلیه مقررات موافقت‌نامه‌های ذی‌ربط سازمان را که البته از پیچیدگیهای فنی بسیار زیادی برخوردارند رعایت و قوانین مربوط به اجرای این نوع اقدامات را مطابق با این موافقت‌نامه‌ها تصویب کند. عموماً

اعضای سازمان در جریان مذاکرات الحاق از کشور در حال الحاق می‌خواهند که قوانین موجود یا پیش‌نویس قوانین مربوطه را جهت بررسی ارائه کند. بعلاوه، اعضای سازمان به دنبال کسب تعهد از کشور در حال الحاق نسبت به هماهنگ کردن جزئی‌ترین جنبه‌های فنی این قوانین با مقررات سازمان خواهند بود. کشورهای ملحق‌شده به سازمان جهانی تجارت در صورت عدم تصویب مقررات ملی ذی‌ربط، تا زمان تصویب مقررات ملی منطبق با موافقت‌نامه‌های سازمان از اعمال چنین اقداماتی بازداشته شده‌اند.

### ۱-۲-۳) مقررات و استانداردهای فنی و اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی

بر اساس بند «و» تبصره ۱۹ قانون برنامه دوم، دولت موظف گردید که به منظور صرفه‌جویی و منطقی کردن مصرف انرژی و حفاظت از محیط‌زیست در قالب کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارت نیرو، وزارت نفت، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی و وزارتخانه صنعتی ذی‌ربط، مشخصات فنی و معیارهای ضروری درمورد سیستمها و تجهیزات انرژی بر را به ترتیبی که کلیه تولیدکنندگان و واردکنندگان چنین تجهیزاتی ملزم به رعایت این مشخصات و معیارها باشند تعیین نماید، به نحوی که در صورت عدم رعایت مشخصات فنی و معیارهای تعیین‌شده از طرف دولت، تولیدکنندگان و واردکنندگان این تجهیزات مشمول پرداخت عوارض (برای تولیدات داخلی) و تعرفه‌های مضاعف (برای واردات) گردند.

متعاقباً، انطباق نظامهای ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی و ارتقای سطح استانداردهای ملی در بند «ب» ماده ۳۹ قانون برنامه چهارم مد نظر قرار گرفت. بعلاوه، مطابق بند «ب» ماده ۶۱ قانون برنامه چهارم توسعه، ضوابط ورود، ساخت، فرمولاسیون و مصرف کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی از جهت زیست‌محیطی توسط وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

در موافقت‌نامه گات هرگونه اقدام ضروری برای حفظ حیات و سلامت انسان، حیوان

و گیاه (ماده ۲۰) و همچنین هرگونه ممنوعیت یا محدودیت وارداتی یا صادراتی که برای اجرای استانداردها یا مقررات طبقه‌بندی، درجه‌بندی یا بازاریابی کالاها در تجارت بین‌المللی ضرورت دارند (ماده ۱) مجاز دانسته شده است.

دو موافقت‌نامه دیگر سازمان جهانی تجارت نیز به موضوع استانداردها و مقررات فنی می‌پردازند. موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی کشورهای عضو را وادار به تبعیت از استانداردهای واحدی نمی‌کند بلکه اجازه می‌دهد که کشورها با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی خود استانداردهای مناسبی برای حفاظت از سلامت و حیات انسان، حیوان و گیاه به کار گیرند، گو این که در مواردی آنها را به رعایت موازین بین‌المللی در زمینه‌های تعیین‌شده ترغیب می‌کند. همچنین، از کشورها می‌خواهد که نسبت به رعایت شفافیت و اطلاع‌رسانی مناسب به اعضا در مورد استانداردها و مقررات فنی خود اقدام نمایند. علاوه بر این، از کشورهای عضو درخواست شده است که برای استانداردهای تعیین‌شده خود مبنای علمی مناسب در نظر بگیرند و بتوانند از نظر علمی از استاندارد خود دفاع نمایند.

موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت نیز مشتمل بر نحوه و چگونگی تهیه، تصویب و اجرای مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی مطابقت است. مقررات حاکم بر سازمان جهانی تجارت اعضای خود را ملزم به داشتن استاندارد کالا نمی‌کند و این سازمان در تدوین یا نوشتن استانداردها نیز هیچ‌گونه دخالتی نمی‌کند. در واقع، این موافقت‌نامه درصدد است که مقررات فنی اجباری، استانداردهای داوطلبانه و آزمایش و صدور گواهی محصولات، موانع غیرضروری فراراه تجارت ایجاد ننمایند. اجتناب از ایجاد موانع غیرضروری فراراه تجارت؛ رعایت اصل عدم تبعیض و رفتار ملی؛ هماهنگ‌سازی مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی مطابقت؛ یکسان‌سازی مقررات و رویه‌ها؛ شناسایی متقابل استانداردها و شفافیت از اهم مفاد این موافقت‌نامه می‌باشند.

## ۲-۳-۲) ورود کالاهای عبوری (در حال ترانزیت)

در بند «الف» ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف شده است که «با تجهیز

مبادی و مجاری ورودی کشور، نسبت به توسعه ترانزیت و عبور مطمئن، آزاد و سریع کالاها و خدمات با نرخ رقابتی اقدام نمایند».

مطابق بند «ب» ماده ۱۳۲ قانون برنامه سوم تنفیذ شده در ماده ۲۹ قانون برنامه چهارم، به منظور تأمین منابع مالی مورد نیاز جهت توسعه، نگهداری و بهره‌برداری امور حمل و نقل جاده‌ای، سازمان حمل و نقل جاده‌ای و پایانه‌های کشور اجازه دارد با تأیید وزیر راه و ترابری از طریق دفاتر مرزی خود عوارضی حداکثر معادل پنجاه ریال برای هر تن-کیلومتر حمل و نقل کالا در داخل کشور از شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی که مبادرت به حمل و نقل کالای ترانزیتی می‌کنند اخذ نماید.

در مقررات سازمان جهانی تجارت، کالاها و وسایل حمل و نقل آنها وقتی در حال ترانزیت شناخته می‌شوند که عبور آنها از سرزمین یک کشور تنها بخشی از سفر کامل آنها باشد که آغاز و پایان آن فراتر از مرزهای کشور مورد نظر قرار دارد. ماده ۵ گات که در تعهدات الحاق کشورها بدان ارجاع می‌شود ناظر بر آزادی ترانزیت است، بدین معنا که حمل و نقل ترانزیت از طریق مناسبترین مسیرهای ترانزیت بین‌المللی آزاد است و بنابراین کشورهای عضو نباید مانع از صادرات دیگر اعضا از طریق عبور از قلمرو خود گردند و هیچ‌گونه تمایز و تبعیضی نباید بر مبنای پرچم کشتیها، مبدأ کالا، مبدأ عزیمت، ورود، خروج یا مقصد، یا بر مبنای مالکیت کالا، کشتی یا دیگر وسایل حمل و نقل اعمال شود. البته هر کشور عضو می‌تواند مقرر کند که حمل و نقل ترانزیت از سرزمینش از گمرکخانه خاصی وارد شود، اما به استثنای موارد قصور در رعایت قوانین و مقررات گمرکی لازم الاجرا، حمل و نقل ترانزیت نباید با تأخیر یا محدودیت‌های غیرضروری رو به رو گردد. بعلاوه، حمل و نقل ترانزیت از عوارض گمرکی و تمام عوارض ترانزیت یا دیگر هزینه‌های متعلق به ترانزیت، بجز هزینه‌های حمل و نقل یا هزینه‌های مربوط به امور اداری لازمه ترانزیت یا مربوط به خدمات ارائه شده، معاف است. تمامی هزینه‌ها و مقررات مربوط به حمل و نقل ترانزیت باید با در نظر گرفتن شرایط حمل و نقل به نحو معقول وضع شوند و در خصوص تمامی هزینه‌ها، مقررات و تشریفات مربوط به ترانزیت، در صورت وجود شرایط مشابه، تبعیضی میان کشورهای مختلف عضو نباید اعمال نگردد.

### ۳-۳) تنظیم صادرات

به موجب ماده ۱۱۴ قانون برنامه سوم که در ماده ۳۶ قانون برنامه چهارم تنفیذ شده است، صدور کلیه کالاها بجز موارد زیر مجاز خواهد بود:

الف - اشیاء عتیقه و میراث فرهنگی،

ب - اقلام دامی یا نباتی که جنبه حفظ ذخایر ژنتیک و یا حفاظت محیط زیست را داشته باشند،

ج - صادرات کالاهایی که دولت برای تأمین آنها مستقیماً یارانه پرداخت می کند.

صادرات این کالاها با پیشنهاد دستگاه مربوطه و تصویب شورای اقتصاد مجاز می باشد. مطابق تبصره همین ماده، تنظیم بازار داخلی موجب ممنوعیت صدور نمی گردد و دولت می تواند جهت جبران کمبود احتمالی از طریق واردات بدون انتقال ارز اقدام نماید.

تبصره ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم نیز مقرر می دارد که صادرات کالاها و خدمات از اخذ هرگونه مجوز به استثنای استانداردهای اجباری و گواهیهای مرسوم در تجارت بین الملل (مورد درخواست خریداران) معاف است.

در مقررات سازمان جهانی تجارت، وضع محدودیتهای کمی بر صادرات - جز در مواردی چون کمبودهای شدید محصولات اساسی، اجرای استانداردها و تأمین مواد خام صنایع داخلی و نیز استثنائات عمومی و امنیتی - ممنوع می باشد (ماده ۱۱ گات). البته مشروط بودن صدور برخی از کالاها به دریافت مجوزهای مرسوم تجارت بین الملل نظیر گواهیهای بهداشتی و استاندارد که به نحو خودکار می باشد در صورت رعایت ضوابط اینگونه گواهیها اساساً منجر به وضع محدودیتهای کمی نمی گردد. همان طور که پیشتر گفته شد، ماده ۲۰ (استثنائات عمومی) و ماده ۲۱ (استثنائات امنیتی) تأیید می کنند که دولتها ممکن است مجبور گردند که برای تحقق اهدافی عمومی همچون حفظ اخلاق عمومی، حیات و سلامت انسان، حیوان و گیاه؛ حفظ گنجینه های ملی و غیره و همچنین برای اهداف امنیتی، اقداماتی مغایر با تعهد منع محدودیتهای کمی را اتخاذ کنند. البته در مورد استثنائات عمومی، شرط اتخاذ اقدامات مورد نظر آن است که متضمن تبعیض خودسرانه یا غیرقابل توجیه یا اعمال موانع پنهان برای تجارت بین الملل نباشند. بنابراین،

موارد ممنوعیت‌های صادراتی در ایران با استثنائات عمومی گات مطابقت دارد. در خصوص منع صادرات کالاهایی که دولت برای تأمین آنها مستقیماً یارانه پرداخت می‌کند باید گفت که بند «ط» ماده ۲۰ گات محدودیت صادرات مواد داخلی را که برای صنایع فراوری داخلی ضرورت دارند و به موجب برنامه تثبیتی دولت قیمت داخلی این مواد زیر قیمت جهانی نگهداشته می‌شود مجاز تلقی می‌کند، مشروط به این که چنین محدودیتهایی برای افزایش صادرات یا حمایت از این نوع صنایع داخلی مورد استفاده قرار نگیرد و از مقررات گات در خصوص عدم تبعیض عدول نشود. البته در قانون برنامه، صادرات کالاهایی که دولت برای تأمین آنها مستقیماً یارانه پرداخت می‌کند با پیشنهاد دستگاه مربوطه و تصویب شورای اقتصاد مجاز می‌باشد و مشمول محدودیت مقداری قرار نمی‌گیرد بلکه مطابق دیگر مقررات داخلی موکول به پرداخت مابه‌التفاوت مربوط به یارانه به سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان می‌باشد. شایان ذکر است که مقررات سازمان جهانی تجارت نیز به جای برقراری محدودیتهای مقداری بر صادرات، وضع حقوق گمرکی و مالیات بر صادرات را به منظور کنترل صادرات مرجح می‌داند.

بند «د» ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم همانند بند «ب» ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم برقراری مالیات و عوارض بر صادرات کالاها و خدمات را ممنوع می‌نماید، با این تفاوت که ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم دولت را مجاز می‌سازد که به منظور صیانت از منابع و استفاده بهینه از آنها عوارض ویژه‌ای بر صادرات مواد اولیه فراوری‌نشده وضع و دریافت نماید. در مقابل بند «الف» ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم که استرداد حقوق گمرکی و سود بازرگانی مواد اولیه و واسطه‌ای وارداتی مورد استفاده در تولید کالاهای صادراتی پس از صدور محصولات تولیدی را مقرر می‌داشت، این امر در قانون برنامه چهارم مد نظر قرار نگرفته است، گو این که در دیگر مقررات داخلی آمده است.

همان طور که گفته شد، مقررات سازمان جهانی تجارت وضع عوارض بر صادرات را منع نمی‌کند و در عین حال معافیت یک محصول صادراتی از حقوق یا مالیاتهای متعلق به محصولی مشابه که به منظور مصرف داخلی در نظر گرفته شده است نیز مجاز می‌باشد و مطابق موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی (زیرنویس ماده ۱) چنین معافیتی یارانه تلقی

نمی‌گردد. البته معافیت صادرات از مالیاتهای مستقیم (مالیات بر درآمد صادرکنندگان) برخلاف مالیاتهای غیرمستقیم در زمره یارانه‌های صادراتی ممنوع می‌باشد. استرداد وجوه دریافتی گمرکی در خصوص نهاده‌های وارداتی کالاهای صادراتی نیز مطابق موافقت‌نامه یارانه‌ها مجاز است.

در بند «ب» ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم، هدفمندسازی و ساماندهی یارانه‌ها و جوایز صادراتی در قالب حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم مد نظر قرار گرفته است. افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات ایران و نیز تأمین مابه‌التفاوت نرخهای اعتباری و گسترش پوشش بیمه‌ای در کشورهای هدف برای صادرات کالا و خدمات بویژه خدمات فنی و مهندسی نیز موضوع بند «ج» همان ماده می‌باشد.

بر اساس مقررات سازمان جهانی تجارت، یارانه‌ها و جوایز صادراتی اعطایی به کالاهای صنعتی چنانچه بیش از حد قابل‌اغماض (۲ درصد ارزش صادراتی) باشند، یارانه ممنوع تلقی می‌گردند. همان‌طور که قبلاً گفته شد، اعطای یارانه‌های صادراتی به بخش کشاورزی ممنوع نمی‌باشد و تنها مشمول تثبیت قرار می‌گیرد، اما این یارانه‌ها از سال ۲۰۰۴ با انقضای مهلت عدم پیگیری آنها تحت موافقت‌نامه کشاورزی (ماده صلح)، قابل پیگیری تلقی می‌گردند. البته اغلب کشورهای تازه‌ملحق‌شده ناگزیر متعهد به حذف یارانه‌های صادراتی کشاورزی خود شده‌اند. یارانه‌های خدمات نیز تنها در صورتی در بخش خدماتی برخوردار از یارانه، ممنوع تلقی می‌شوند که اولاً کشور عضو در آن بخش خاص خدماتی تعهد رفتار ملی را پذیرفته باشد و ثانیاً اعطای یارانه در آن بخش با نقض این تعهد همراه بوده و کشور اعطاکننده یارانه، آن یارانه را از تعهدات خود مستثنی نکرده باشد.

به طور کلی، یارانه در موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی سازمان جهانی تجارت که صرفاً ناظر بر یارانه‌های صنعتی می‌باشد، عبارت است از کمک مالی توسط دولت یا بخش عمومی در قلمرو یک کشور عضو که منجر به انتقال نفع گردد. در این موافقت‌نامه یارانه‌هایی که پرداخت آنها منوط به عملکرد صادراتی یا منوط به جایگزینی واردات هستند ممنوع می‌باشند. یارانه‌هایی که به بنگاهی خاص، منطقه‌ای خاص و یا صنعتی خاص چه در قانون و چه در عمل تعلق نمی‌گیرند غیرقابل پیگیری تلقی می‌گردند. سایر یارانه‌ها

چنانچه پرداخت آنها منجر به وارد آمدن تأثیر سوء به منافع دیگر اعضا شود، از طریق طرح شکایت یا وضع عوارض متقابل جبرانی قابل پیگیری می‌باشند.

بنابراین، معافیت صادرات کالاها از حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض و مالیاتهای غیرمستقیم در قانون برنامه ایران با مقررات سازمان جهانی تجارت مطابقت دارد، اما جوایز مستقیم صادراتی، معافیت صادرکنندگان از مالیاتهای مستقیم بر درآمد، و تضمین‌ها و اعتبارات صادراتی با نرخهای یارانه‌ای مطابق موافقت‌نامه یارانه‌ها در خصوص اقلام صنعتی (فرا تر از آنچه در این سازمان قابل اغماض تلقی می‌گردد)، ممنوع می‌باشند و البته این ممنوعیت به طور کلی همان طور که گفته شد شامل اقلام کشاورزی و دامی و بخشهای خدماتی نمی‌گردد.

#### ۴) نتیجه گیری

برنامه‌ریزی توسعه در ایران قدمتی برابر با عمر نظام تجارت چندجانبه دارد. اما پیوستن کشورمان به نظام تجارت چندجانبه به دلایلی چند تا امروز صورت واقعیت نیافته است. دلایل این امر را می‌توان نه تنها در اتکای اقتصاد و تجارت ملی بر نفت که تأثیر نظام تجارت چندجانبه بر اقتصاد و تجارت ایران را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است، بلکه در راهبردهای توسعه‌ای کشور و سیاستهای تجاری ناشی از آنها و نیز واقعیتهای حاکم بر تجارت خارجی کشور جستجو کرد. بررسی قوانین برنامه توسعه کشور نشان می‌دهد که راهبرد توسعه‌ای غالب در مقاطع مهمی از تاریخ سیاست تجاری کشور، سیاست جایگزینی واردات بوده است که مقتضیات آن تعارضهای زیادی با الزامات نظام تجارت چندجانبه دارد. از سوی دیگر، ناکامیهای اجرای این سیاست توسعه‌ای وضعیت تجارت خارجی کشور را به مرحله‌ای که آماده ورود گسترده به بازار جهانی باشد نرساند. حجم و ترکیب صادرات و واردات ایران مؤیدی بر این حقیقت است. بعلاوه، در یک مقطع طولانی، تجارت خارجی ایران با موانع مهمی در بازارهای جهانی مواجه نبوده است که سازوکارهای نظام تجارت چندجانبه برای آن ضروری و راهگشا جلوه کند. در برخی مقاطع نیز بحرانهای موجود در کشور اجرای برنامه‌های توسعه و بالطبع رویکردهای

برونگرا را دچار رکود ساخت. در عین حال، روند سیاستهای تجاری در قوانین برنامه به طور کلی در طول زمان رویکردی برونگراتر و با محوریت بیشتر صادرات یافته و این رویکرد سرانجام به پیگیری روند الحاق به نظام تجارت چندجانبه انجامیده است. بررسی آخرین قوانین برنامه و مقررات جاری آنها حاکی از آن است که سیاستهای تجاری کشور جهت گیری آشکاری در راستای تمهید الحاق ایران به این سازمان دارد و جز در جنبه‌هایی از سیاستهای یارانه‌ای، همگرایی بالایی با مقررات سازمان جهانی تجارت را می‌توان در قوانین برنامه جاری مشاهده نمود. به هر حال، باید در نظر داشت که الحاق به سازمان جهانی تجارت خود یک هدف مستقل نیست و الزامات توسعه ملی مقدم بر آن و به نوعی پیش‌نیاز آن است، اما الحاق را می‌توان عنصری کلیدی در مسیر اجرای اهداف سیاستهای توسعه تجارت ملی به شمار آورد، چرا که الحاق محیطی باثبات‌تر و با قابلیت پیش‌بینی بیشتر را برای طراحی راهبردهای بلندمدت توسعه‌ای و سیاستهای تجاری فراهم می‌آورد.

## منابع

- امیدبخش، اسفندیار و دیگران (۱۳۸۵) سازمان جهانی تجارت: ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- امیدبخش، اسفندیار و مسعود طارم‌سری (۱۳۷۲) آشنایی با موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و بررسی تبعات الحاق جمهوری اسلامی ایران به آن. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- دبیرخانه آنکتاد (۱۳۸۱) چگونگی الحاق به سازمان جهانی تجارت. ترجمه و تدوین جمعی از فارغ‌التحصیلان دوره عالی مذاکرات سازمان جهانی تجارت در نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- دبیرخانه گات (۱۳۷۳) سند نهایی دور اروگوئه. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- درگاهی، حسن (۱۳۸۵) «دولت و توسعه صنعتی». ماهنامه تخصصی صنعت و توسعه، سال اول، شماره اول، آبان، ص ۴-۱۱.

ریاست جمهوری، اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (۱۳۸۳) مجموعه قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول. تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۰) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳). چاپ پنجم. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۲) سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ ابلاغیه مقام معظم رهبری. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

مرکز تجارت بین الملل (۱۳۸۱) آشنایی با قواعد سازمان جهانی تجارت: ۸۸ پرسش و پاسخ. ترجمه گروه کارشناسان مذاکرات تجاری در نمایندگی تام الاختیار تجاری. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی. مرکز تجارت بین الملل و دبیرخانه مشترک المنافع (۱۳۷۵) راهنمای تجاری دور اروگوئه. ترجمه مدیریت پژوهشهای اقتصادی و بین المللی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

مؤمنی، فرشاد (۱۳۷۴) کالبدشناسی یک برنامه توسعه. تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

وزارت بازرگانی، معاونت امور بین الملل، دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری (۱۳۸۵) گزارش رژیم تجاری جمهوری اسلامی ایران. ویرایش ششم.

[Http://www.mporg.ir](http://www.mporg.ir).

[Http://www.wto.org](http://www.wto.org).

World Trade Organization (2002a) **The Legal Texts: The Results of the Uruguay Round of Multilateral Trade Negotiations**. Geneva: WTO Publications.

\_\_\_\_\_ (2002b) "Report of the Working Party on the Accession of Republic of Armenia". WTO document WT/ACC/ARM/23 dated 26 November.

\_\_\_\_\_ (2005) "Technical Note on the Accession Process". WTO document WT/ACC/10/Rev.3 dated 28 November.